

شویم اما هزینه دانشگاه یا کلاس‌های آموزشگاه‌ها را نداریم. خیلی از آن افرادی که نتوانستند به عشق و آرزو و چیزی که می‌خواستند برسند، در زندگی سرخورده شدند و به یک راه دیگری کشیده شدند. بابک نوری از سر تاسف صحبت خود را نیمه‌تمام گذاشته، لحظاتی بعد در ادامه می‌گوید: حرفی برای گفتن ندارم جز این که من حداقل وسع و توانی که دارم بابت هنری که یاد گرفته‌ام انجام می‌دهم. با بچه‌های مدرسه‌ای در محله شوش کار می‌کنم. وی در پایان گفت: باور کنید چیزی که می‌گویم شو نیست. می‌شود با این بچه‌ها کار کرد. ما آماده‌ایم که کاری انجام دهیم، چیزی اضافه کنیم در حالی که متأسفانه تبدیل شده‌ایم به افرادی که اغلب کارهای سطح پایین می‌سازیم و از همه چیز گله داریم و مدام می‌گوییم این نمی‌شود، آن می‌شود، دولت این طور است، ملت آن طور است...

### محمد حاتمی:

#### از کسانی که بی‌ادعا کارشان را می‌کنند می‌آموزم

محمد حاتمی مدرس بازیگری و بازیگر پیشکسوت سینما، تلویزیون و تئاتر در خصوص آموختن هنر بیان کرد: آن چه که به شدت در این سال‌های اخیر نیاز داریم، معلم خوب است. معلمی که به همه امور آموزش خود اشراف داشته باشد و فقط سخنران نباشد. در حال حاضر بیشتر از آن چیزی که قرار است بازدهی داشته باشند، عناوین هستند که خودشان را نشان می‌دهند. متأسفانه الان دیگر از واژه معلم و آموزگار کمتر استفاده می‌شود و همه راغب هستند که لقب استاد را بگیرند که به نظر تعداد اساتیدی که ما داشتیم و واقعا هم به لحاظ حضورشان، هم به لحاظ نوع کار و هم به لحاظ پرورش شاگرد موثر بودند اگر نخواهیم اغراق کنیم به اندازه تعداد انگشتان یک دست است. مابقی دارند از این عنوان سوءاستفاده می‌کنند.

وی افزود: یک فرمول همیشگی هست که می‌گوید: روزگار آموزگار ماست. اما اگر در مورد حرفه بخواهیم به نظر یک‌خنده باید روی این واژه‌ها تامل کنیم و از حمل این واژه‌ها پرهیز کنیم. بله من از خیلی عزیزان آموختم ولی متأسفانه در مکتبشان ننشستم. این در واقع بداقبالی من بوده که نتوانستم حضور پیدا کنم. مثلا هیچ وقت سعادتش را نداشتم که در محضر حمید سمندریان حاضر باشم ولی از آثارش بسیار آموختم. هر گاه آثارش روی صحنه آمده، نه یک‌بار بلکه چندین بار نشستم و نگاه کرده‌ام. همچنین در مورد آثار دکتر رفیعی که بسیار آموزنده است. علاوه بر این که تئاتر واقعی را در ایران اجرا کرده و می‌کند و آثارش برای کسانی که طالب این قضیه باشند؛ مانند کلاس درس می‌ماند و به نظر من از این وجه می‌توانیم نگاهش کنیم.

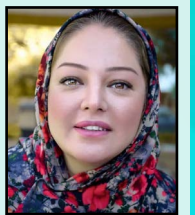
او اظهار داشت: به هر حال من هم بسیار آموختم. هم از کسانی که در محضرشان حضور داشتم و هم از کسانی که در غیابشان و بهتر است بگویم در غیاب خودم که نتوانستم در محضرشان باشم، ولی سعی کرده‌ام آن قدر زرنک باشم که آثارشان را ببینم و در واقع بتوانم آن گستره زیبایی‌شناسی، معنایی که در کارهایشان وجود دارد و آن تأثیری که در درازمدت روی کارهای دیگر می‌گذارد را از آن‌ها بیاموزم و واقعا هم از همه آنها ممنونم و همواره سعی می‌کنم از کسانی که بی‌ادعا کارشان را می‌کنند و آموزششان را بدون این که فریاد بزنند، می‌دهند؛ یاد بگیرم. محمد حاتمی در پایان گفت: در خاتمه این نکته را یاد کنم که نسل جدید هیچ وقت نباید فراموش کند که ما چه کسانی را داشتیم که برای تئاتر ما زحمت کشیدند و در واقع یک پایه محکمی را گذاشتند.

نوآوری خیلی خوب است ولی باید همیشه یادمان باشد آثار دکتر رفیعی، پری صابری، حمید سمندریان، بهرام بیضایی که الان حضور ندارد اما آثارش همیشه تأثیرگذار بوده را نباید فراموش کنیم. همچنین به شدت از رفتن به سراغ عناوین پرهیز کنیم، مگر این که جایگاهمان آن قدر جایگاه محکمی باشد که دیگران به ما بگویند، نه این که خودمان عنوان کنیم.

### رزیتا غفاری:

#### بهترین معلمان سینمای ایران را داشتم

رزیتا غفاری بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون بیان کرد: یکی از بهترین استادان سینما، بزرگمهر رفیعا است که امیدوارم سلامت باشند. من همیشه احساس می‌کنم که او معلم اصلی من است چرا که سال‌هایی که ما درس می‌خواندیم، شاگردی استنادی را می‌کردیم که بهترین



اساتید سینما بودند و بزرگمهر رفیعا، آن‌ها را گردهم آورده بود. افرادی مثل ناصر تقوایی، احمد ضابطی جهرمی، محمود کلاری، تورج منصوری، بهرام دهقان... در واقع می‌توانم بگویم بهترین اساتید سینمای ایران، استادان من و هم‌دوره‌ای‌های من بودند که این به‌خاطر لطف و زحمات بزرگمهر رفیعا بود.

### بهروز نشان:

#### در حسرت فیلم‌نساختن ناصر تقوایی هستم

بهروز نشان کارگردان و تهیه‌کننده سینما اظهار داشت: بدون شک معلم من در سینما ناصر تقوایی است. به نظر من معلم خوبی نه تنها برای من، بلکه برای همه هم‌نسل‌های من و همه علاقه‌مندان سینمای ایران می‌تواند باشد، چرا که وقتی ما فیلم «ایران»، «کاغذی خط» و مابقی آثارش را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که او در تمام ژانرهای سینمایی قابلیت این را دارد که فیلمسازی کند و این خودش توانمندی ویژه‌ای است. وقتی برمی‌گردیم به سریال «دایی جان ناپلئون»، می‌بینیم که بعد از این همه سال و بعد از گذشت این همه زمان، این سریال همچنان در حال فروش رفتن است و مخاطبان و علاقه‌مندان به سینما در ایران و در خارج از کشور همچنان این سریال را می‌بینند و از آن به خوبی یاد می‌کنند.

او خاطر نشان کرد: البته ناصر تقوایی نه تنها در سینما بلکه در دیگر شاخه‌های هنری همواره فرد سرشناس و برجسته‌ای بوده است. مثلاً زمانی که به تاریخچه ادبیات داستانی ایران نگاه می‌کنیم و به ادبیات داستانی جنوب می‌رسیم، باز هم می‌بینیم که ناصر تقوایی در کنار نجف دریابندری و صفدر تقی‌زاده همواره فرد تأثیرگذاری در شکل‌گیری داستان جنوب بوده است که نمونه بارزش «تابستان همان سال»، مجموعه‌ای از داستان‌های بسیار جذاب اوست. همچنین وقتی در حوزه هنرهای تجسمی به آثار ناصر تقوایی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که او عکاس درجه‌یکی هم هست. نمایشگاه عکسی که در طی سال‌های اخیر با عکس‌هایی که از جنوب ایران گرفت و بر گزار کرد؛ نمایشگاه بی‌ظنیری از عکس‌های اوست که خیلی جای تأسف دارد که این عکس‌ها کمتر دیده شده است. یا وقتی «آخرین پیام‌رسان»، آخرین اثر ناصر تقوایی را تماشا می‌کنیم که مستندی در مورد تعزیه است و برای ثبت تعزیه در یونسکو ساخته شده، متوجه اشراف کامل او روی این آیین سنتی ایران زمین می‌شویم.

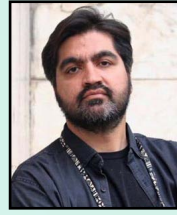
بهروز نشان در پایان گفت: بسیار جای تأسف دارد که ناصر تقوایی در سال‌های اخیر کلاس‌های آموزشی خود را تعطیل کرد و دیگر فیلم‌نساخت. به نظر من جای او همیشه در تاریخ سینمای ایران دیده می‌شود و ما تا همیشه باید در حسرت فیلم‌نساختن او باشیم که ای کاش او در این سال‌ها فیلم می‌ساخت و ما می‌توانستیم اثر تازه‌ای از او ببینیم.

### سیروس همتی:

#### بهرام بیضایی سرآمد معلم‌هایم در سینما و تئاتر است

سیروس همتی نویسنده، طراح‌صحنه، کارگردان و بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر اظهار داشت: در سینما و تئاتر معلم من بهرام بیضایی است. از همان ابتدا وقتی دو نمایشنامه از او خواندم یا دو فیلم او را نگاه کردم این احساس به من دست داد که چه قدر این فرد که به نظر من در قله نمایشنامه‌نویسی ایران قرار دارد؛ به شدت آدم محترمی است. کلام او، کلام یک نویسنده ایرانی است و کلمات، به شدت کلمات فاخری است. یا تحقیقاتی که او در تعزیه، تئاتر ژاپن، تئاتر چین و... کرده است. اصلا به نظر من با احترام به چند استاد انگشت‌شمار مثل غلامحسین ساعدی، عباس نعلبندیان، اکبر رادی و دوستان هم‌عصر خودم محمد چرم‌شیر، محمد یعقوبی و خیلی از عزیزان هم‌عصری که الان حضور ذهن ندارم، بهرام بیضایی به‌عنوان ستاره پرنور و پرفروغ سینما و تئاتر است.

سیروس همتی در پایان گفت: مشخصا در تئاتر و در سینما با همان فیلم کوتاه «عمو سبیلو» که من از او دیده بودم متوجه این نکته شدم که او هم مانند ناصر تقوایی، بهمین فرمان‌آرا، داریوش مهرجویی و عباس کیارستمی به شدت صاحب سبک است اما چون بنده رگه‌های تئاتری دارم یا بهتر بگویم بچه یا زاده تئاتر من به‌خاطر ویژگی‌ها نمایشی بهرام بیضایی، او را به‌عنوان سرآمد معلم‌هایم در سینما و تئاتر اعلام می‌کنم.



### مریم کاظمی:

#### مصطفی و مهین اوسکویی به من درس زندگی دادند

مریم کاظمی نویسنده، بازیگر و کارگردان سینما، تلویزیون و تئاتر بیان کرد: مصطفی اوسکویی و مهین اوسکویی معلم‌های من در تئاتر بودند. آن‌ها جزو معلم‌هایی بودند که به هنر جوها غیر از کار تخصصی، درس زندگی هم می‌دادند. او افزود: من در نوجوانی به آکادمی‌شان رفتم و در هنر کده آنها متشغول هنرآموزی شدم. البته اگر بشود اسمش را گذاشت هنرآموزی و هنر آموختنی باشد. در آن جا غیر از این که دروس تخصصی داشتیم؛ دوستی، تعهد، احساس مسئولیت، میثاق هنری، آرمان حرفه‌ای تمام چیزهایی که افراد این حرفه باید بدانند و به آن احترام بگذارند را آن‌جا آموختم و پایه‌هایش، پایه‌ریزی شد. نکاتی که بعدا آدم می‌تواند مایه‌ازایش را در کار حرفه‌ای ببیند که چه قدر رعایت این نکات در کارهای گروهی اهمیت دارد. چون سینما و تئاتر تنها کاری است که شما با گروهی در ارتباط هستید که بهترین تعامل را هم باید تا پایان کار با آن گروه داشته باشید.



### رضا گوران:

#### نسل امروز هم چنان می‌تواند از اساتید بیاموزد

رضا گوران طراح‌صحنه، نویسنده و کارگردان تئاتر بیان کرد: در تئاتر حمید سمندریان مهم‌ترین استاد من بود. در سینما نیز همیشه نسبت به ناصر تقوایی و عباس کیارستمی ارادت داشتم و یک الگوی ذهنی از آن‌ها برای خودم ساختم. هیچ‌وقت با آن‌ها کلاسی نداشتم ولی

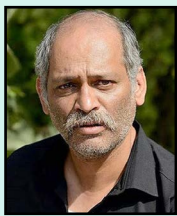


همیشه سعی می‌کردم که نگاهشان به زندگی و در واقع خلق کردن آثارشان را دنبال کنم و از آن‌ها بیاموزم. به نظر من جای عباس کیارستمی در هنر ایران خالی است، جای ناصر تقوایی هم که در میان ما حضور دارد ولی کار نمی‌کند، بسیار خالی است. امیدوارم که زمان، شرایط یا هر چیز دیگری که لازم است، فراهم شود تا ناصر تقوایی بتواند برای نسل نوان چه را که در توان دارد، ارائه دهد. چون معتقدم که نسل امروز ما همچنان می‌تواند از تقوایی‌ها، بیضایی‌ها و سمندریان‌ها بیاموزد، همین‌طور از کیارستمی‌ها. حداقل ما این شانس را داشتیم که با آن‌ها زندگی کنیم و آثارشان را دنبال کنیم. او در پایان خاطر نشان کرد: در نوشتن هم من خودم را وام‌دار و مدیون هوشنگ گلشیری می‌دانم چون حقیقتا آن‌چه یاد گرفته‌ام از نوشتن، از هوشنگ گلشیری بود که برای من یگانه بود در قلم، در فضا سازی، زبان و هر آن‌چه که مربوط به به‌دست گرفتن قلم می‌شود.

### نادر فلاح:

#### اگر چه در محضر حمید سمندریان نبودم ولی از او آموختم

نادر فلاح بازیگر و کارگردان سینما، تئاتر و تلویزیون گفت: اولین معلم من در کرمان مهدی ثانی و بعد از آن یدالله عباسی بود. در دانشگاه نیز در خدمت اساتید مختلفی بودم و افتخار این را داشتم که از استاد رکن‌الدین خسروی، امیر دژآکام و همچنین افراد دیگری مانند اکبر زنجان‌پور، آموختم. در دوره فوق لیسانس نیز در خدمت دکتر خاکی، فرهاد مهندس‌پور بودم. البته هنرمندان بسیاری بودند که به این شکل در مکتب آن‌ها نبودم ولی خیلی از آن‌ها یاد گرفتم و آموختم؛ در حوزه سینما عباس کیارستمی و هنرمندان دیگری مانند پرویز کیمیای و امیر نادری که فیلم‌ها و آثارشان را دیدم و یاد گرفتم. در حوزه تئاتر نیز بهرام بیضایی و هنرمندان دیگری چون جلال تهرانی و حمید سمندریان که من افتخار نداشتم که در محضر او یاد بگیرم ولی از آثارش بسیار آموختم.



### لیلا شوقی:

#### این سه نفر...

لیلا شوقی بازیگر سینما و تلویزیون گفت: من از دوران کودکی بسیار تحت تأثیر بازی سوسن تسلیمی مخصوصا در فیلم «شاید وقتی دیگر» بودم. بعد از آن نیز خانم هماروستا و خانم رویا تیموریان. این سه نفر در زندگی هنری من نقش بسیاری داشتند.

